

باسمه تعالی

خلاصه درس دوم فلسفه ی دوازدهم انسانی

* کانال آموزشی فلسفه دوازدهم انسانی در پیام رسان گپ *

<https://gap.im/falsefe12>

لینک کانال در پیام رسان گپ

خلیل شبانی نژاد دبیر فلسفه و منطق - شهرستان لامرد

جهان ممکنات

صفحه ۸ تا ۱۲

نسبت های سه گانه در قضایا :

به سه قضیه زیر توجه کنید.

عدد هشت فرد است.

دیوار خانه ما سفید است.

عدد چهار زوج است.

۱- رابطه ضروری

رابطه میان موضوع و محمول در این قضایا از سه حالت خارج نیست

۱- رابطه امکانی

۳- رابطه امتناعی

در قضیه اول، رابطه میان موضوع و محمول رابطه ای **ضروری** است

در قضیه دوم، رابطه میان موضوع و محمول رابطه ای **امکانی** است

در قضیه سوم، رابطه میان موضوع و محمول رابطه ای **امتناعی** است

رابطه ضروری: محمول قضایا برای موضوع شان حتمی و ضروری هستند.

مانند: عدد ۴ زوج است. یعنی محال است که عدد ۴ زوج نباشد و باید زوج باشد و غیر از این نیست

رابطه امکانی: محمول قضایا برای موضوع شان ضروری نیست بلکه ممکن است باشد و ممکن است نباشد و هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند.

مانند: دیوار خانه ما سفید است. زیرا ممکن است دیوار خانه ما سفید باشد و ممکن است رنگ دیگری داشته باشد و سفید بودن برای دیوار حتمی و ضروری نیست

رابطه امتناعی: برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که چنین چیزی برای موضوع رخ دهد.

مانند: عدد هشت فرد است. در این قضیه محال است که فرد بودن برای عدد هشت رخ دهد و هیچ زمانی محقق نخواهد شد.

سوال؟؟؟

رابطه وجود با موجوداتی که در این جهان هستند از کدامیک از سه رابطه فوق است؟

حال پرسش این است که «وجود»، به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی دارد؛ مثلاً وقتی می گوئیم «زمین هست»، «انسان هست» و «خدا هست»، رابطه «هستی» با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

جواب:

همان طور که مشاهده می کنید، رابطه برخی از این موضوع ها با «وجود» رابطه امکانی، و رابطه برخی، رابطه وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارند، یعنی نمی توانند موجود باشند. در سوال بالا رابطه وجود با انسان و زمین رابطه امکانی است و رابطه وجود با خدا رابطه وجوبی است

در اینجا به بررسی سؤال اصلی درس می پردازیم:

چرا با اینکه رابطه ماهیات با وجود یک رابطه امکانی است، و این ماهیات هم می توانند باشند و هم نباشند، اما این رابطه امکانی الان به هم خورده و این اشیا موجود شده اند، در حالی که می توانستند نباشند؟



فارابی و ابن سینا به این پرسش پاسخ داده و گفته اند

جواب فارابی و ابن سینا به این پرسش

اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه‌ی امکانی دارند، یعنی می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند اما همین رابطه‌ی امکانی به آنها اجازه می‌دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، و همه علل و عواملی که برای بوجود آمدن آنها لازم است فراهم شود، آنها نیز پا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

مثال:

وقتی می‌گوییم رابطه‌ی ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه‌ی امکانی است، منظور این است که، انسان میتواند باشد و می‌تواند نباشد. ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد. با بودن علت «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب الوجود می‌گردد و موجود می‌شود. یعنی در حال حاضر، همه‌ی شایایی که موجودند «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه‌ی علت‌هایی که خارج از ماهیت آنها قرار دارند.

۴- واجب الوجود بالذات

واجب الوجود از دو حالت خاج نیست

۲- واجب الوجود بالغیر

واجب الوجود بالذات: مانند خداوند که وجود برای او ضروری و حتمی است و برای بوجود آمدن به علتی غیر از خود نیازمند نیست و همه علل و عوامل در ذاتش وجود دارند و به این خاطر به او واجب الوجود بالذات گویند.

واجب الوجود بالغیر: اما سایر موجودات غیر از خداوند در این عالم که وجود برای آنها ضروری و حتمی نیست و برای بوجود آمدن به علتی غیر از خود نیازمند هستند، تا آنها را بوجود بیاورد، و چون این ضرورت و نیاز برای بودن را از غیر کسب می‌کنند، به این خاطر به آنها واجب الوجود بالغیر گویند

بطور خلاصه

موجوداتی که در این عالم وجود دارند چون ممکن الوجود هستند به خودی خود نمی‌توانند بوجود بیایند بلکه باید برای بوجود آمدن به مرحله وجود و ضرورت برسند و واجب الوجود شوند و وجود و هستی برای آنها ضرورت و حتمیت داشته باشد تا بوجود آیند
اما چون این موجودات ممکن الوجود هستند، در ذات و درون خود این ضرورت و وجود ندارند و باید از موجودی غیر از خودشان ضرورت و وجود کسب کنند تا بوجود آیند، به این خاطر به آنها واجب الوجود بالغیر گویند.

در پناه حق پیروز و موفق و سربلند باشید